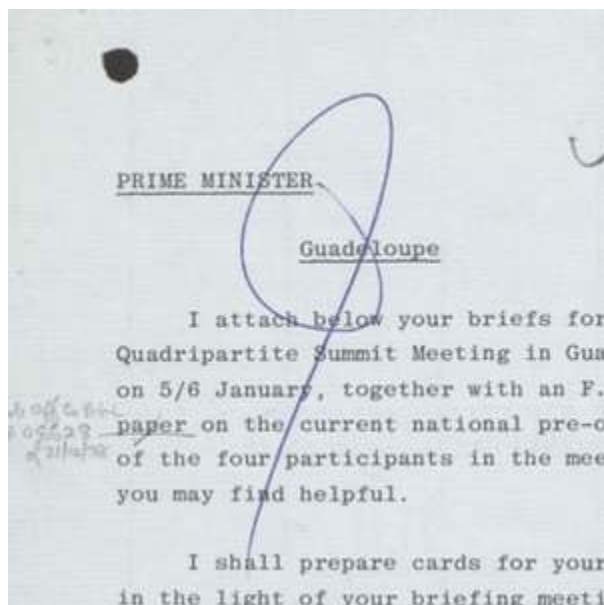


ایران و جهان در سال ۱۹۷۹

گزارش هایی از اسناد طبقه بندی شده تازه آزاد شده در آرشیو ملی بریتانیا درباره ایران و جهان



پژوهش و نگارش: مجید تفرشی

گزارش نخست: مقدمه و مروری بر مجموعه مقالات

آرشیو ملی بریتانیا، مطابق سنت دیرینه خود، در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۵ و ۱۶ دسامبر (۲۴ و ۲۵ آذر) سال جاری، حدود دو هفته زودتر از موعد آزاد رسمی، پرونده های مختلف اسناد رسمی دولتی مربوط به تحولات داخلی و خارجی را در اختیار جمع محدودی از پژوهشگران قرار داد. نگارنده که برای دهمین سال متوالی به این مراسم دعوت شدم موفق شدم با بررسی حجم زیادی از اسناد عمدتاً مربوط به ایران، خلیج فارس و خاور میانه مقالات متعددی را در این باره تهیه و برای انتشار در اختیار پایگاه اینترنتی دیپلماسی ایرانی قرار دهم.

شایان ذکر است که به دلیل اهمیت تاریخی و یگانه سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۱ دی ۱۳۵۷ تا ۱۰ دی ۱۳۵۸) در تحولات ایران حجم اسناد مورد بررسی در آرشیو ملی بریتانیا در این باره، حدود دو تا سه برابر اسناد سالهای قبلی آزاد شده در این آرشیو درباره ایران است. این مساله به طور طبیعی حجم،

دامنه موضوعات را بیشتر کرده و در نتیجه به دشوارتر شدن نگارش مقالات، در مقایسه با سال های گذشته، افزوده است.

این در حالی است که برخلاف سال های قبل تعداد زیاد دیگری از پرونده های مربوط به تحولات ایران در سال ۱۹۷۹ به مرور یا به صورت طبیعی و یا بر اساس درخواست های قانونی نگارنده، مبتنی بر قانون جدید دسترسی آزادانه به اطلاعات" در طول ماه های اخیر آزاد و از طبقه بندی خارج و در اختیار محققان قرار داده شده بود که این مجموعه ها نیز برای نگارش گزارش هایی که طی چند روز آینده ارائه خواهند شد مورد استفاده واقع شده اند.

در مجموع اسنادی که امسال در آرشیو ملی بریتانیا درباره تحولات ایران در سال ۱۹۷۹ ایران آزاد شده اند شامل ۱۱۳ پرونده محتوی حدود ۱۴۸۰۰ برگ سند هستند که به طور تقریبی می توان گفت که یک سوم از این مدارک که از اهمیت نسبتا بالاتری برخوردار بوده اند به طور مستقیم در نگارش این گزارش ها مورد استفاده واقع شده اند.

امسال در مسیر شناسایی، تصویربرداری، آماده سازی، پژوهش و نگارش این مقالات از همکاری صمیمانه و بی شائبه سه تن از همکاران و دوستان بهره برده ام که ضمن تشکر فراوان، ذکر نامشان در این جا ضروری است. بی تردید بدون همکاری های خانم "مریم تهرانی" و آقایان "علی فرد" و دکتر "هادی صبوحی" فراهم آوردن این مجموعه به این شکل ممکن نبود.

اسناد سال ۱۹۷۹ دربرگیرنده تحولات ایران در فاصله چهل روز پایانی حکومت سلطنتی و ده ماه و بیست روز از دوران نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی است. دوره ای که بی گمان یکی از حساسترین فرازهای تاریخ خاور میانه و جهان و مهم ترین یا دست کم یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخ سده های اخیر ایران است.

از میان مهمترین موضوعاتی که در اسناد تازه آزاد شده درباره ایران وجود دارند می توان به این موارد اشاره کرد:

شایان ذکر است که چه در این گزارش و چه در گزارش های بعدی همه عبارت هایی که در داخل گیومه ذکر شده نقل قول مستقیم از اسناد رسمی تازه آزاد شده در آرشیو ملی بریتانیا است. دیگر آن که در همه مواردی که سال اسناد ذکر نشده منظور ۱۹۷۹ میلادی است و در موارد دیگر سال مورد نظر ذکر خواهد شد. ضمنا مطالب داخل کروشه در اصل اسناد نیست و در ترجمه برای رساتر شدن متن افزوده شده و به این وسیله از متن اصلی مجزا شده است.

همچنین گفتنی است که تعداد ۹ پرونده در حجم تقریبی ۱۵۰۰ برگ در موضوع تحولات داخلی ایران، سفر الیزابت دوم ملکه بریتانیا به خاورمیانه و جزییات ماجرای درخواست شاه برای سفر به بریتانیا و اقامت در آن کشور به عنوان حساس بودن موضوعات هنوز آزاد نشده و برای دسترسی به آن ها دست کم باید ده سال دیگر صبر کرد.

گزارش های این مجموعه که همگی بر اساس اسناد منتشر نشده و تازه آزاد شده تدوین و نگارش شده را با معرفی اجمالی نوشته های پیش رو درباره تحولات ایران در سال ۱۹۷۹ و بررسی تحولات بین المللی در سال ۱۹۷۹ آغاز کرده ایم. مطالب زیر گوشه هایی از مطالبی هستند که در گزارش ها و مقالات بعدی به تفصیل و مستند درباره آنها صحبت خواهد شد.

مقاله دوم به تحولات مختلف بین‌المللی در سال ۱۹۷۹ خواهد پرداخت.

به قدرت رسیدن مارگارت تاچر و حزب محافظه‌کار در بریتانیا و مشکلات و ماجراهای ناشی از انتخاب اولین نخست‌وزیر زن در آن کشور، ترور لرد مونتاتن توسط ارتش جمهوری خواه ایرلند (آی.آر.ای)،

مقاله سوم به کالبد شکافی سقوط نظام پادشاهی و پیروزی انقلاب و بررسی رخدادهای منتهی به تاسیس نظام جمهوری اسلامی اختصاص خواهد داشت.

در یکی از این مجموعه مکاتبات، سر آنتونی پارسونز در گزارش پایان ماموریت خود در تهران به تاریخ ۱۸ ژانویه (۲۹ دی ۱۳۵۷) از شاه به عنوان مردی نابه‌جا برای اداره کشورش یاد کرد. به اعتقاد پارسونز: "شاه گرچه کارمندان و روسای اداراتی درجه یک برای همکاری با کشورهای غربی تربیت کرده بود، رژیم او از جهت خودپسندی، سطحی‌نگری، زرق و برق، زودرنجی و پرمدها بودن تقصیر داشت و هضم این مسایل برای دیپلمات‌های غربی نیز مشکل بود".

پارسونز بر این باور بود که او و همکارانش به نقاط ضعف حکومت شاه پی برده بودند، ولی از شدت تنفر مردم از حکومت او غافل مانده بودند.

مقاله چهارم به جزییات کنفرانس چهار جانبه گوادلوپ در آغاز ژانویه ۱۹۷۹ می‌پردازد. کنفرانس گوادلوپ نشستی دو روزه در ابتدای ژانویه ۱۹۷۹ بود که طی آن جیمی کارتر رییس‌جمهور آمریکا، جیمز کالاهان نخست‌وزیر بریتانیا، هلموت اشمیت صدر اعظم آلمان غربی و والرئو ژیسکاردستن رییس‌جمهور فرانسه به بررسی و تعامل درباره مسایل راهبردی جهان از جمله مقابله با خطر شوروی و وضعیت ایران پرداختند.

مقاله پنجم درباره روند تحولات داخلی و دیدگاه‌ها و تحلیل‌های بریتانیایی‌ها درباره انقلاب اسلامی ایران خواهد بود. در این مقاله پگزارش‌ها و ملاحظات مقامات بریتانیا از روند تحولات انقلاب نوپا، رقابت‌ها، درگیری‌ها، وضع استان‌ها و مناطق مرزی و مسایل مختلف احزاب مختلف سیاسی و نظامی درگیر با هم و همچنین وضعیت و جایگاه چهره‌های مطرح در انقلاب بررسی خواهد شد.

ششمین مقاله پیرامون تبعات منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های همسایگان درباره حکومت جدید ایران خواهد بود. این مقاله به دیدگاه بریتانیا در قبال تعبیرات منطقه‌ای خلیج فارس و خاورمیانه در پرتوانقلاب ایران و همچنین مواضع اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای اقماری آن در قبال تحولات ایران بررسی خواهد شد.

مقاله هفتم به سیر شکل‌گیری ابعاد مختلف مناسبات ایران و بریتانیا در عرصه‌های دیپلماتیک و غیرنظامی می‌نگرد. در این بخش تحولات دیپلماتیک بین دو کشور، وضع کلیسای انگلیکن و بریتیش کانسل (شورای فرهنگی بریتانیا)، فعالیت‌های مخالفان ایران در بریتانیا، اشغال سفارت و کنسولگری سفارت بریتانیا در تهران در ماه‌های نخست انقلاب، وضع نابسامان دانشجویان ایرانی در بریتانیا و رفتار ناشایست با ایرانیان مسافر و مهاجر به بریتانیا در فرودگاه‌های آن کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در مقاله هشتم به مناسبات تحولات دفاعی ایران، انحلال پیمان سنتو و مناسبات نظامی با بریتانیا اختصاص پرداخته خواهد شد. در این مقاله جزییات مناسبات نظامی ایران و بریتانیا و سیر تحول آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. شماری از قراردادهای نظامی پس از انقلاب توسط دولت انقلاب ملغی شد، برخی بر اساس بدگمانی لندن به مواضع انقلابی ایران و احتمالاً به دلیل هراس همسایگان کوچک جنوبی ایران ملغی شدند و تعدادی نیز به دنبال حادثه گروگانگیری در سفارت آمریکا معلق شدند. در همین دوره پیمان نظامی منطقه ای سنتو با خروج ایران و اعلام انصراف ترکیه و پاکستان از ادامه حضور در آن عملاً منحل شد. بر اساس این اسناد به نظر می رسد که با وجود تاکیده‌های پیشین دولت های عضو بر اهمیت سنتو، هیچ کس از پایان یافتن عمر آن مناسف نشد.

مقاله نهم به وضعیت محمد رضا شاه پس از خروج از ایران و مصایب وی و خانواده اش برای یافتن کشوری برای اقامت می پردازد. در این مقاله به وضع اقامت شاه و خانواده اش پس از خروجش از کشور در ۲۶ دی ۱۳۵۷ پرداخته خواهد شد. از منظر اسناد بریتانیایی، مهمترین موضوع در این ارتباط، تلاش شاه برای ورود و اقامت به بریتانیا بود. با آن که مقامات بریتانیایی آگاه بودند که کشورشان برای مدتی طولانی مهمترین و یا دست کم یکی از دو متحد اصلی شاه به شمار می رفت، از عزیمت او به بریتانیا و اقامتش در باغ ویلایی اشرافی خود در منطقه ساری در جنوب غرب لندن جلوگیری کردند. جیمز کالاهان نخست وزیر وقت بریتانیا و رهبر حزب محافظه کار معتقد بود که حضور شاه در بریتانیا موجب بروز خطر جدی امنیتی برای آن کشور خواهد شد.

روز نهم فوریه در فاصله دو روز مانده تا پیروزی انقلاب اسلامی، شاه به طور غیر مستقیم و غیر رسمی از طریق آلن هارت، یکی از دوستان روزنامه نگارانش از مقامات لندن خواست تا به او اجازه سفر به بریتانیا را بدهند.

یکی از مقامات ارشد وزارت خارجه بریتانیا در پاسخ به این درخواست به داوونینگ استریت دفتر نخست وزیر کالاهان درباره صدور اجازه اقامت به شاه در بریتانیا نوشت: "چنین اقدامی وضع را پیچیده خواهد کرد و به احتمال خیلی زیاد به تخریب روابط با هر دولت بعدی جانشین در ایران منجر و از سوی دیگر موجب بروز دردهای امنیتی برای ما نیز خواهد شد".

در یک گزارش مشابه دیگر وزارت خارجه بریتانیا، از احتمال به خطر افتادن ارسال نفت ایران به بریتانیا و همچنین خطرات جانی برای اتباع آن کشور در ایران در صورت پناه دادن به شاه در بریتانیا سخن گفته شده است.

ده روز بعد در ۱۹ فوریه، زمانی که هشت روز از سقوط سلطنت و پیروزی انقلاب گذشته بود، کالاهان در یادداشتی درباره شاه این گونه نوشت: "من از نظر انسانی نمی خواهم به شاه بی اعتنایی کنم، [ولی] او در ایران به چهره ای به شدت جنجالی است ما باید مناسبات آینده خود با آن کشور را مورد ملاحظه قرار دهیم. او [شاه] نیازمند برنامه ریزی موقتی است".

مارگارت تاچر رهبر حزب محافظه کار که چندی بعد در همان سال به قدرت رسید، پس از پیروزی در انتخابات در یادداشتی به تاریخ ۱۴ مه (۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸) در اعتراض به سیاست قبلی کالاهان به وزارت خارجه کشورش اعلام کرد: "از این که بریتانیا نمی تواند به یک دوست صمیمی و مفید پناه

دهد عمیقا ناخشنود است". با این همه این اعلام نارضایتی نخست وزیر جدید نیز منجر به صدور اجازه اقامت برای شاه و همراهانش در بریتانیا نشد.

دو روز پس از این نگارش این نامه، تاچر در نخستین ماه از صدارت طولانی مدت خود، هیاتی را برای گفتگوی دوستانه و منصرف کردن شاه برای عزیمت به بریتانیا عازم باهاماس کرد. ریاست این هیات که مخفیانه و با لباس و اوراق شناسایی مبدل به دیدار شاه شتافته بود با سر دنیس رایت دیپلمات کهنه کار و بازنشسته بود که دو دوره طولانی با سمت کاردار و سفیر کبیر کشورش در ایران خدمت کرده بود. رایت در این سفر با گذرنامه جعلی و نام ادوارد ویلسون به دیدار شاه شتافت.

با آن که کمتر کسی از جزییات محل اقامت شاه در باهاماس خبر داشت، بریتانیایی ها اصرار داشتند تا این ماموریت بدون اطلاع مقامات رسمی محلی صورت گیرد.

ممانعت بریتانیا از پذیرش شاه و خانواده اش در شرایطی صورت گرفته که او به شدت بیمار بود و به دلیل عدم قبولش در هیچ کشوری به صورت طولانی عملا مجبور شد تا در یک سال پایانی عمرش تا مرداد ۱۳۵۹ مرتبا کشور محل اقامتش را تغییر دهد. در همان زمان دولت های آرژانتین، آمریکا، برزیل و نیوزیلند نیز از پذیرش شاه خودداری کرده بودند.

در نهایت اقامت با تغییر موضع جیمی کارتر رییس جمهور آمریکا و موافقت با اقامت شاه در ایالات متحده انگیزه برای اشغال سفارت آمریکا توسط گروهی از دانشجویان ایرانی و به گروگان گرفته شدن ده ها دیپلمات آمریکایی فراهم شد.

هارت افشا کرده بود که با وجود مناسبات حسنه بین شاه و مقامات آمریکایی، او از نحوه زندگی آمریکایی خوشش نمی آمد و قصد اقامت دائمی در آن کشور را نداشت.

در دهمین و آخرین مقاله نیز به بررسی مناسبات ایران و آمریکا و مساله گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران می پردازیم. ماجرای که در سال ۱۹۷۹ آغاز شد ولی تا آغاز سال ۱۹۸۱ به طول انجامید. با وجود آن که تنها حدود دو ماه از ابتدای ماجرای اشغال سفارت آمریکا در این مجموعه اسناد آمده، ولی بیشترین حجم اسناد شامل ده پرونده و نزدیک به سه هزار برگ از مکاتبات رسمی و محرمانه مربوط به همین دو ماه و تحولات متن و حاشیه گروگانگیری و تبعات آن است.

یکشنبه ۱۳ دی ۱۳۸۸

منبع: دیپلماسی ایرانی

وبلاک مجید تفرشی

<http://mtafreshi.persianblog.ir>